

اجر دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ

دکتر سلیم نیساری*

که هر خواننده، نه تنها درباره قرائت‌های ویژه، بلکه نسبت به گزینش‌هایی هم که متکی به ضبط اکثریت نسخ است، ممکن است نظر متفاوتی داشته باشد. بحث درباره ارزش و اعتبار هر قرائتی در متن ابیات، جالب و سودمند است؛ ولی در شرایطی که شرح و دلایل گزینش متن طرح نشده، داوری در باب مصاب بودن یا نبودن گزینش کلمات متن غزل‌ها، از محدوده و موضوع این کتاب فراتر می‌رود. بدیهی است که در اصل هدف و نقش این کتاب، که ارائه دقیق ضبط نسخه‌های خطی است، خللی ایجاد نمی‌شود که کلمه‌ای خاص - که ضبط نسخه‌های خطی سده نهم است - در ستون متن معرفی شود، یا در جایگاه دگرسانی‌ها قرار بگیرد.

در مقاله‌های ناقد، اقلاد در سه موضع، دیده‌ام که درباره این بیت:
چو بشنوی سخن اهل دل، مگو که خطاست
سخن شناس نه‌ای جان من، خطا اینجاست

نوشته‌اند: «معلوم نیست چرا و چگونه نیساری کلمه «دلبر»، بر اساس ۲۱ نسخه خطی، را نپذیرفته و تنها از روی نسخه ۸۲۷ خلخالی نوشته است «جان من»، که یک ترکیب عامیانه و فاقد معنی مقصود شاعر است. اما می‌دانیم که حافظ در غزل دیگری گفته است: «هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت». این بیت را اگر خطاب به «دلبر» فرض کنیم، اظهار چنین مطلبی که: ای دلبر، خطای کار آنجاست که تو سخن شناسی

نیستی، اعتراضی صریح با لحنی خشن است. اما با عبارت «جان من»، کسی در ردیف فرزند شاعر یا یک فرد بسیار صمیم، مخاطب قرار می‌گیرد و لحن اعتراض هم ملایم می‌شود. تکیه کلام «جان من» نه تنها فاقد معنی نیست، بلکه هنوز هم در زبان فارسی مصطلح است. اگر فرزند انسان یا فردی نزدیک و صمیم حرف خلافی بزند، به او می‌گوییم: «نه جانم، این طور نیست؛ تو اشتباه می‌کنی».

اما جواب این مطلب که چرا ضبط ۲۱ نسخه پذیرفته نشده است؛ در مقدمه کتاب هم تصریح شده است که امر گزینش کلمات و عبارات برای متن را نمی‌توان به حساب عدد و ارقام، بر پایه رأی اکثریت نسخ فیصله داد. توجه به سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ، نخستین گام در راه تنظیم متن غزل‌های حافظ است. پس از انتخاب متن است که مشخص می‌شود آیا آن کلمه و

مقاله‌ای را که با عنوان «بررسی کتاب دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ» به قلم دکتر بهروز ثروتیان، در شماره ۳۰ نشریه کتاب ماه ادبیات منتشر گردیده بود، به علت سفری به خارج از کشور - که ناخواسته طولانی شد - همین چند روز پیش موفق شدم که بخوانم. این مقاله، که ۱۳ صفحه از شماره ۳۰ کتاب ماه به آن اختصاص یافته، شامل سه مضمون متفاوت است: نخست، نویسنده مقاله به مندرجات دفتر دگرسانی‌ها نگاهی مثبت انداخته است و کوششی را که در راه تدوین این کتاب مصروف شده، کاری سودمند یافته است؛ اما بعد از ابراز این حسن ظن، بیشتر مندرجات این مقاله، حاوی ایرادهایی است به قرائت‌های مندرج در ستون متن دفتر دگرسانی‌ها. مضمون سوم، زیر عنوان «نگرانی‌ها»،

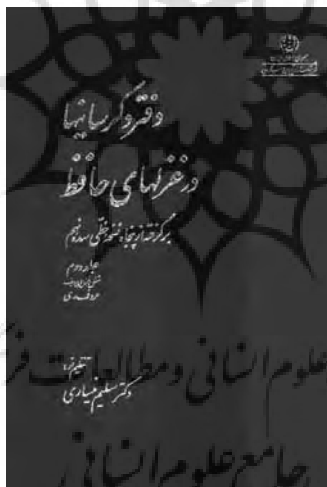
گزارش شگفت‌انگیز تطبیق و مقابله مندرجات دفتر دگرسانی‌هاست با دیوان چاپ دکتر خانلری، که درباره کلماتی از چند غزل به عمل آمده است.

نیاز به گفتن ندارد که اصولاً انتشار مقاله‌ای در باب بررسی و نقد یک کتاب، نه تنها برای خوانندگان، بلکه برای خود مؤلف کتاب هم سودمند و مغتنم است. اما اولین برداشت اینجانب از این مقاله، این است که ناقد، دو جلد کتاب دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ را، که دربرگیرنده همه جزئیات، حتی اشتباه‌های دست‌نویسی در ۵۰ نسخه خطی سده نهم است، در سطح یک چاپ آزاد یا چاپ تک‌نسخه‌ای از غزل‌های حافظ فرض کرده است و هر تردید و پرسشی را که ممکن بود درباره عبارات مضبوط در آن چاپ ساده تک‌نسخه‌ای مطرح

بشود، بر کتابی محتوی متن ۵۰ نسخه خطی سده نهم منطبق دانسته است. اظهار نظرهای ناقد، بیشتر متکی بر این جنبه است که چرا در مواردی، کلمه‌ای که مستند بر ضبط اکثریت نسخه‌هاست، به جای اینکه برای متن گزیده شود، به ستون دگرسانی‌ها منتقل شده است.

شاید ناقد متوجه نشده است که در صفحه ۱۹ مقدمه جلد اول دفتر دگرسانی‌ها قید شده است که در مجموع ۱۰۳۴۰ مدخل، تنها در ۱۳۵ مدخل - یعنی حدوداً در یک‌صدم شمار مدخل‌ها - قرائتی برای متن انتخاب شده است که ضبط اکثریت نسخ نیست و افزوده شده، که ممکن است همه این گزینه‌ها مقبول ذوق حافظ‌پژوهان نباشد؛ ولی تشریح دلایل ترجیح این قرائت‌های ویژه، خارج از موضوع و افزون بر گنجایش این کتاب است.

در صفحه ۲۹ مقدمه دفتر دگرسانی‌ها نیز نوشته شده است: «طبیعی است



عبارت برگزیده شده برای متن، مَنکی بر ضبط اکثریت نسخ هم هست، یا اینکه متن را باید در عداد یک قرائت ویژه منظور کرد.

ناقد، شماری از قرائت‌های مندرج در ستون «متن» را مورد انتقاد قرار داده است. اگرچه برای همه آن ایرادها می‌توان جواب گفت، ولی برای پرهیز از تطویل بحث، تنها چند مثال در اینجا نقل می‌شود:

۱. به جای «ترکان پارسی‌گو» که در دفتر دگرسانی‌ها برای متن قید شده است:

ترکان پارسی‌گو بخشنندگان عمرند
ساقی بده بشارت پیران پارسا را

ناقد، قرائت «خوبان پارسی‌گو» را صحیح دانسته و این توضیح را افزوده است: «خوبان پارسی‌گو، عارفان از میان مردم فارسی‌زبان است و مراد، خود خواجه است، که می‌خواهد بگوید اگر بیت پیشین عربی و فصیح و زیباست (آن تلخ‌وش ...)، آن را هم من سرودهام. بروید به پیر پارسی من بشارت بدهید که حافظ عمر می‌بخشد!»

چنین استنباطی از این بیت، که تصوّر شود حافظ این بیت را در وصف خودش سروده و خود را از جمله «خوبان و بخشنندگان عمر» شمرده، این قدر مستبعد است که نیاز به بحث ندارد.

۲. در ستون متن دفتر دگرسانی‌ها قرائت «ای نازنین صنم» بر اساس ضبط اقدم نسخ (ت ک یج یسو) برای این بیت درج شده است:

ای نازنین صنم، تو چه مذهب گرفته‌ای
که ت خون ما حلال تر از شیر مادر است؟

ناقد در این بیت، قرائت «ای نازنین پسر» را ترجیح داده است و اضافه می‌کند که: «در یک غزل دیگر، ذکر عبارت «شیرین‌پسر»، هر دو به یک موضوع مربوط است... بی هیچ بحثی، در یک کلام گفته می‌شود که پیر طریقت حافظ از دنیا رفته و جوانی خرقه ایشان را پذیرفته است که نسبت به خواجه شیراز، که خود به سال‌های اواخر عمر رسیده است، حکم پسر را دارد و خواجه با این همه زیبایی و ملاحظت [؟] با آن جوان روحانی بیعت می‌کند و در هر دو غزل، خون خویش را بر ایشان حلال می‌داند؛ یعنی جان و مال من از آن آن ولی خداست». درباره اینکه حافظ مرید و پیرو پیر طریقتی بوده است، هیچ مدرک و سندی موجود نیست و از فحوای خود غزل‌ها نیز چنین استنباطی به دست نمی‌آید؛ تا چه رسد به اینکه فکر کنیم حافظ با یک جوان روحانی بیعت کرده و او را در شعر خود «نازنین پسر» خوانده است و از او می‌پرسد «تو چه مذهب گرفته‌ای؟!»

۳. در یک غزل دیگر هم بیتی به این صورت در دفتر دگرسانی‌ها نقل شده است:

در هوای لب شیرین دهنان چند کنی
جوهر روح به یاقوت مذاپ آلوده؟

ناقد در این بیت نیز قرائت «در هوای لب شیرین پسران» را مرجح دانسته است. می‌دانیم که در متن اشعار حافظ، در همان سده نهم نیز به دست هر کاتبی که رونویسی می‌شد، تصرّفات و تحریفاتی رخ می‌داد. ضمن درج این

سطور، یاد مطلبی افتادم که سال‌ها پیش در کتاب نقشی از حافظ نوشته علی دشتی خوانده بودم. نویسنده آن کتاب در باب تصرّفات در شعر حافظ، از جمله همین بیت را به طور مثال نقل کرده و نوشته است: «کاتبی به جای «شیرین دهنان» نوشته است «شیرین پسران» و با این تغییر عامیانه، از همان لجنی که خود در آن غوطه می‌خورده، مشتی به حافظ پاشیده است» (نقشی از حافظ، اساطیر، ۱۳۶۴: ۱۰۳).

۴. ناقد قسمتی از انتقادات خود نسبت به گزینش متن در دفتر دگرسانی‌ها را ذیل عنوان «لبیات بی‌معنی» مطرح کرده و از آن جمله این بیت از غزل ۳۷۰ است:

تا کی کشم عتابت زان چشم نیم‌خوابت
روزی کرشمه‌ای کن، ای نور هر دو دیده

ناقد نوشته است: «در دفتر دگرسانی‌ها بدون توجه به بی‌معنی بودن «نیم‌خواب»، از این ترکیب در این بیت استفاده شده است. می‌توانستند از املائی مُمال «عتیبت» برای قافیه‌سازی استفاده بکنند، که نکرده‌اند».

این مصرع در نسخه‌های خطی به سه شکل نوشته شده است:
- تا کی کشم عتابت زان چشم دل‌فریبت؟
- تا کی کشم عتیبت زان چشم دل‌فریبت؟
- تا کی کشم عتابت زان چشم نیم‌خوابت؟

این مصرع شامل دو بخش است که هر بخش به ضمیر ت ختم می‌شود. در قرائت اول، صعود صوت ت پیش از ضمیر در بخش اول در کلمه «عتابت»، با فرود آمدن به صورت ا در کلمه «دل‌فریبت» قرینه نیست. در قرائت دوم، استفاده از کلمه مُمال عتیبت، نمایشگر تکلفی در کاربرد کلمه است، که مشابه آن در اشعار حافظ دیده نمی‌شود.

در مخالفت با قرائت سوم، که در دفتر دگرسانی‌ها در ستون متن آمده است، ناقد نوشته است که ترکیب «نیم‌خواب» بی‌معنی است؛ اما سزاوار بود پیش از چنین داوری، اقبالاً نگاهی به لغت‌نامه دهخدا می‌انداختند و می‌دیدند که در مدخل «نیم‌خواب» در لغت‌نامه - که «چشم نیم‌خواب» کنایه از چشم خمار آلود و پُرناز معنی شده است - ابیاتی از اسدی، خاقانی، نظامی، امیر خسرو و سه بیت از سعدی به عنوان شاهد مثال ذکر شده، که یکی از آن سه بیت چنین است:

با چشم نیم‌خواب تو خشم آیدم همی
از چشم‌های نرگس و چندین وقاحتش

نمونه‌های دیگری از کاربرد کلمه «نیم‌خواب» در سروده‌های چند شاعر دیگر به خاطر داشتیم، که فعلاً ضمن نگارش این سطور، بیتی از محتشم کاشانی به خاطر رسید:

تا دهد از تو جرّتم رخصت نیم‌بوسه‌ای
یک نفسک به خواب کن نرگس نیم‌خواب را

از فحوای ایرادگیری ناقد چنین مستفاد می‌شود که به قضاوت ایشان، شاعرانی مانند اسدی، خاقانی، نظامی، امیر خسرو و سعدی، گاهی از کلمات بی‌معنی در شعر خود استفاده می‌کردند!

۵. شادروان دکتر خانلری در مقدمهٔ جلد دوم دیوان حافظ در باب چگونگی استفاده از ۱۴ نسخهٔ اساس تصحیح خود، برای مثال بیتهایی از ضبط نسخهٔ مورخ ۸۲۷ (نسخهٔ خلخال) نقل کرده و نوشته‌اند در این بیت:

هر که را خوابگاه آخر مثنی خاک است
گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را

در مصرع اول، به اصطلاح عروض، زحاف تشعیث هست... اما وجه دیگر که در دو نسخهٔ مورخ ۸۲۲ و ۸۳۶ ثبت است، به نظر ما روان‌تر و زیباتر و خالی از نقص وزن آمد و آن را برای متن اختیار کردیم:

هر که را خوابگاه آخر نه که مثنی خاک است
گو چه حاجت که بر آری به فلک ایوان را

(به عنوان جملهٔ معترضه، تصریح می‌شود که ضبط نسخهٔ مورخ ۸۲۲، «هر که را جایگاه آخر...» است و ضبط نسخهٔ ۸۳۶ هم به این صورت است: «هر که را خوابگاه این آخر مثنی خاک است» (رجوع شود به صفحهٔ ۱۲۴ دفتر دگرسانی‌ها، در غزل‌های حافظ).

این بیت در متن غزل‌های حافظ به تدوین اینجانب که در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسید، همچنین در دیوان حافظ بر اساس ۴۸ نسخهٔ خطی سدهٔ نهم که در سال ۱۳۷۷ انتشار یافت و به همین قرار در متن دفتر دگرسانی‌ها، به این شکل درج شده است:

هر که را خوابگاه آخر به دو مثنی خاک است
گو چه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را

اینجانب با اندیشه‌ای توأم با احساس خوش‌بینی، تصوّر می‌کردم گزینش این قرائت را علاقه‌مندان به جست‌وجوی متن اصیل و مستند از اشعار حافظ، ارج خواهند نهاد و جزو قرائت‌هایی به حساب خواهند آورد که تکلیف آن در تصحیح دیوان حافظ برای استفادهٔ همگان روشن شده است؛ ولی متأسفانه ناقد همین گزینه را نیز در ردیف «ابیات بی‌معنی» نقل کرده و نوشته است، که بی‌گمان درست نیست. ناقد معتقد است شکل صحیح این بیت باید به این صورت خوانده شود: «هر که را خوابگاه این آخر مثنی خاک است (آخر = آخور)» (نشانهٔ حرکات مطابق با متن چاپی نوشتهٔ ناقد است).

ناقد علاوه می‌کند که «کاتبان دیوان حافظ کلمهٔ «آخر» (= آخور)، به ضمّ حرف خا، را به کسر خا، «آخر» خوانده‌اند. در نتیجه، این مصرع به اشکال مختلف و با پریشانی تمام در نسخه‌ها ظاهر شده است.»

گفتنی است که با این تصحیح و اصلاح ناقد و با تلفظ پیشنهادی ایشان، خوابگاه ابدی هر کس تبدیل به آخور می‌شود!

این مطالب تا اینجا هم که اجباراً به طول انجامید، به نظر بنده، بحثی زائد و وقت‌هدرکن بود. مطلب اصلی این است که اگر کسی می‌خواست نقدی بر کتاب دفتر دگرسانی‌ها بنویسد، می‌بایست توجه داشته باشد که هر گونه اظهار نظر، باید ناظر بر موضوع و هدف تألیف این کتاب باشد. این کتاب به خاطر ارائهٔ متنی خاص از غزل‌های حافظ نوشته نشده است؛ بلکه تدوین این

کتاب به این قصد بود که به منزلهٔ محکی برای ارزیابی ضبط دقیق و استناد صحیح کلمات به منابع هر متن از غزل‌های حافظ، اعم از خطی یا چاپی مورد استفاده باشد.

ناقد در بخش آخر مقالهٔ خود، زیر عنوان «نگرانی‌ها»، به مقایسهٔ مندرجات چاپ دکتر خانلری با مطالب دفتر دگرسانی‌ها پرداخته است؛ ولی متأسفانه در این قسمت هم معکوس عمل کرده و خواسته است که صحت و دقت مندرجات دفتر دگرسانی‌ها را با محک چاپ دکتر خانلری بسنجد و در آغاز این بخش از مقاله چنین نوشته است: «در تطبیق مضبوط نسخه‌های دفتر دگرسانی‌ها با مضبوط نسخه‌های زنده‌یاد استاد دکتر خانلری، مطالبی دیده می‌شود که سخت نگران‌کننده است و دست پژوهشگر متن خواجه را می‌ارزاند و معلوم نمی‌شود که چه کار باید بکند!»

حق بود ناقد قبلاً فصل بررسی انتقادی دیوان حافظ مصحح دکتر خانلری را در کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ، چاپ ۱۳۶۷ مطالعه می‌کرد. برای درج نمونه‌ای از این موارد نگران‌کننده، ناقد چند مثال ذکر کرده است که ذیلاً مطرح می‌شود:

۱. دربارهٔ مقابلهٔ بیت ۶ از غزل ۳۵ دفتر دگرسانی‌ها با غزل ۵۳ چاپ خانلری در مصرع «یا رب این کعبهٔ مقصود تماشاگاه کیست»، ناقد می‌نویسد: «در تحقیق و تطبیق دگرسانی‌ها ص ۲۱۳ معلوم می‌شود که مضبوط پنج نسخهٔ نخستین یج ید، حیت ت سز [= ب، ج، ه و ؟] در بیت ۶ اشاره‌ای نشده است؛ در حالی که هر ۵ نسخه، ذیل منابع غزل ۳۵ خانلری [منظورش غزل ۵۳ است] ذکر شده است. محال است بدانیم این پنج نسخه چگونه گم شده است!»

به این توضیح توجه فرمایید:

اولاً، در ذکر ۵ نسخهٔ نخستین، شناسهٔ «سز» زاید است؛ زیرا این نسخه جزو منابع چاپ دکتر خانلری نیست.

ثانیاً، همراه شناسهٔ آن ۴ نسخهٔ نخستین (ب، ج، ه و) از منابع چاپ خانلری می‌بایست دو نسخهٔ ط، ی نیز علاوه می‌شد، که ناقد از قلم انداخته است. ثالثاً، در همان سطر اول صفحهٔ ۱۲۳ چاپ خانلری درج شده است که نسخه‌های ب، ج، ه ط، ی بیت ۶ را ندارند و یک سطر پایین‌تر نیز قید شده است که نسخهٔ و بیت ۶ را ندارد، که جمعاً می‌شود ۶ نسخه که بیت ۶ را ندارند. در سطر اول و دوم شرح ترتیب ابیات در صفحهٔ ۲۱۲ دفتر دگرسانی‌ها هم مشخص شده است که در این ۶ نسخه (ت یج ید، حیت طو، کد) بیت ۶ نیست.

با این تفصیل، وقتی ۶ نسخه از منابع دکتر خانلری بیت ۶ را ندارند، یعنی در این ۶ نسخه مضبوطی متعلق به بیت ۶ وجود نداشته است، معلوم نیست چرا ناقد دنبال مضبوطی در این ۶ بیت محذوف می‌گشت و به این نتیجهٔ غیر واقعی رسید که ۵ نسخه در دفتر دگرسانی‌ها گم شده است!

۲. دربارهٔ بیت ۵ غزل ۶۳ چاپ خانلری و غزل ۵۵ دفتر دگرسانی‌ها (من بگفتم شمه‌ای از شرح شوق خود، ولی ...): ناقد می‌نویسد: «در متن نسخهٔ خانلری، از روی ۸ نسخه «می بگفتم» آمده است. در دفتر دگرسانی‌ها تنها به یک نسخه، ی (= کد)، اشاره شده و مضبوط ۷ نسخهٔ دیگر را معلوم نیست چنان نوشته‌اند.»

این هم قضاوتی خلاف واقع و حاکی از بی‌دقتی ناقد است. توضیح این

است که این غزل در چاپ دکتر خانلری، مستند به ۸ نسخه است؛ اما برای هر یک از نسخه‌های ب، ی، ط، ل، م نسخه‌بدلی متفاوت درج شده است. ضمناً در صفحه ۲۷۲ دفتر دگرسانی‌ها تصریح شده است که علاوه بر آن ۵ نسخه بدل، قرائت مضبوط در دو نسخه **حیب که** نیز چنین است: «من گفتیم (حرف اول کلمه دوم، بی‌نقطه است)؛ ولی این مطلب در چاپ دکتر خانلری افزوده نشده است. پس از کنار گذاشتن این ۷ نسخه، که دارای نسخه‌بدل‌های متفاوت هستند، باقی می‌ماند تنها نسخه ز (=تغ)، که ضبط آن (=می‌بگفتم)، پشتوانه منحصربه‌فرد متن چاپ دکتر خانلری است.

اما اینکه ناقد ادعا کرده است که ضبط ۷ نسخه در دفتر دگرسانی‌ها نوشته نشده، مایه کمال تعجب است. حق بود به توضیحات مربوط به ردیف ۵/۱ در صفحه ۲۷۲ دفتر دگرسانی‌ها که در ۵ سطر نوشته شده است، کمی دقیق‌تر نگاه می‌کردند و از میان همه مندرجات آن ردیف ۵/۱، تنها ضبط نسخه ی (=کد) را، آن هم به اشتباه، نقل نمی‌کردند؛ زیرا ضبط نسخه ی (=کد) «می‌بگفتم» است و «می‌بگفتم» نیست.

خلاصه مطلب این است که متن منتخب چاپ خانلری (می‌بگفتم) تنها در یک نسخه ز (=تغ) نوشته شده است و بر خلاف تصور ناقد، مستند به ۸ نسخه نیست و دفتر دگرسانی‌ها هم چیزی را کتمان نکرده است.

۳. بیت ۱۰ در غزل ۱۰۳ دفتر دگرسانی‌ها چنین است: «بیفشان جرعه‌ای بر خاک و حال اهل شوکت بین». ناقد متذکر می‌شود که «همین بیت در ردیف ۱۰ در غزل ۱۱۶ چاپ دکتر خانلری، از روی چهار نسخه ه، ط، ک، م (=حیب طو، که) لو ضبط شده است و در هر چهار نسخه نوشته‌اند «اهل شوکت پرس». ولی هیچ یک از این نسخه‌ها در دفتر دگرسانی‌ها دیده نمی‌شود».

ناقد دقت نکرده است که در ترتیب ابیات غزل ۱۰۳ در صفحه ۴۲۸ دفتر دگرسانی‌ها در ذیل ستون ۱۰ (یعنی بیت ۱۰ این غزل)، در مقابل شناسه حیب طو، که (ه، ط، ک) عدد صفر دیده می‌شود؛ یعنی این نسخه‌ها بیت ۱۰ ندارند. در صفحه ۲۴۹ چاپ دکتر خانلری هم در مقابل شناسه سه نسخه ه، ط، ک قید شده است بیت ۱۰ را ندارد. این ساده‌ترین اطلاعی است که ناقد با نگاه اول می‌توانست کسب کند و متوجه بشود که پشتوانه عبارت «حال اهل شوکت پرس»، به موجب توضیحات مندرج در صفحه ۲۴۹ چاپ خانلری، تنها می‌تواند ضبط منفرد در نسخه م (=لو) باشد. اما با دقت در ضبط نسخه م (=لو) معلوم می‌شود که کلمه بعد از «شوکت» در آن نسخه، ناخواناست و آنچه به نظر می‌رسد، «پرس» نیست و بیشتر شبیه کلمه «بین» است.

ماحصل کلام درباره این بیت و نتیجه تطبیق متن چاپ دکتر خانلری با دفتر دگرسانی‌ها این است که اظهار نظر ناقد، که در هر چهار نسخه ه، ط، ک، م از منابع چاپ خانلری «اهل شوکت پرس» نوشته شده، یک تصور واهی و خلاف واقعیت است.

۴. بیت ۴ از غزل ۱۱۳ دفتر دگرسانی‌ها به صورت زیر است:
نماز در خم آن ابروان محرابی
کسی کند که به خواب دل طهارت کرد
همین بیت در ردیف ۴ غزل ۱۲۷ چاپ خانلری ضبط شده، ولی به جای

«خوناب دل»، ترکیب «خون جگر» آمده است. ناقد می‌نویسد: «در تحقیق امر معلوم می‌شود ۵ نسخه، یعنی نسخه‌های ه، ز، ح، ط، ک (=یج سز؟) کا، طو، که»، همه «خون جگر» نوشته‌اند؛ لیکن در جدول دگرسانی‌ها از این ۵ نسخه اقدام خبری نیست! ... گویا در دفتر دگرسانی‌ها علاقه‌مند بوده‌اند «خون جگر» را «خوناب دل» بخوانند».

اما جواب بنده این است که در دفتر دگرسانی‌ها درباره آن ۵ نسخه در ارتباط با بیت ۴ این خبرها هست:

اولاً، مترادف نشانه نسخه‌های «ه، ز» در دفتر دگرسانی‌ها «یج سز» نیست؛ بلکه «حیب تغ» است.

ثانیاً، با نگاهی به توضیحات صفحه ۴۶۶ در دفتر دگرسانی‌ها و صفحه ۲۷۱ در چاپ دکتر خانلری - با توجه به شماره ردیف ابیات - مشخص می‌شود که آن ۵ نسخه ه، ز، ح، ط، ک (=حیب تغ کا، طو، که) هیچ یک بیت ۴ را ندارند، و خیلی شگفت‌آور و حاکی از بی‌دقتی است که ناقد مدعی شده است در همه این ۵ نسخه «خون جگر» نوشته شده است.

ثالثاً، با حذف شناسه ۵ نسخه که این بیت را ندارند، از شمار ۹ منبع این غزل در چاپ خانلری، و تفکیک دو نسخه دیگر، که در آن چاپ در قسمت اختلاف نسخه‌ها نوشته شده است: «ی، ن: به خوناب دل» باقی می‌ماند تنها دو نسخه ب، ل (=یج خ)، که «خون جگر» نوشته‌اند و در صفحه ۴۶۷ دفتر دگرسانی‌ها ضبط این دو نسخه تصریح شده است.

رابعاً، اینکه ناقد نوشته است نویسنده دفتر دگرسانی‌ها علاقه‌مند بوده هر جا «خون جگر» می‌بیند، آن را «خوناب دل» بخواند، این استناد هم حرفی ناصواب و خلاف واقعیت است.

خامساً، ناقد بحث خود را با این جمله ختم می‌کند که «آنچه برای ما نگران‌کننده است، این مطلب است که ترکیب «خوناب دل» در لغتنامه دهخدا نیامده است!»

نشانه تعجب را در آخر جمله‌ای که نقل شد، بنده می‌بایست بیفزایم؛ ولی قبلاً ناقد محترم آن را افزوده است و حق بود زحمت می‌کشیدند یک بار دیگر به لغتنامه مراجعه می‌کردند و می‌دیدند که در ذیل ترکیب «خوناب دل» در لغتنامه، این دو شاهد مثال نیز افزوده شده است: «اول از خوناب دل رنگین عذارش بستمی» (خاقانی)، «خوناب دلم دهی به خروار» (نظامی).

در پایان، از این بررسی‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که اگر کسی می‌خواست درباره چگونگی مندرجات دفتر دگرسانی‌ها داوری کند، می‌بایست مطمئن باشد که بی‌دقتی‌های خود را به حساب نقصی در دفتر دگرسانی‌ها منظور نمی‌کند.

پی‌نوشت

* عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

کتابنامه

- نائل خانلری، پرویز، ۱۳۶۲، دیوان حافظ. تهران: خوارزمی.
- دشتی، علی، ۱۳۶۴، نقشی از حافظ. تهران: اساطیر.
- نیساری، سلیم، ۱۳۶۷، مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ. تهران: ...
- _____، ۱۳۸۵، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ. تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.